

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منیر

اهداف بعثت پیامبر اکرم
(علیه وآله آلاف تحیه والثناء)

جهان در آستانه بعثت حضرت رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - در انحطاط و بحران شگفت انگیزی قرار داشت. جهالت، غارتگری، ظلم و ستم، تضییع حقوق ضعیفان و محرومان، فساد و بی بند و باری، تبعیض و ناعدالتی، نگرانی و دلهره، دوری از اخلاق و انسانیت، تمام جوامع بشری را در آن روزگار فرا گرفته بود.

در این میان منطقه جزیره العرب و به ویژه شهر مکه از منظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، پایین ترین و بدترین وضع را تحمل می کرد. خضوع اعراب جاهل در مقابل چوبهای خشکی که به صورت بت درست شده بود و اهالی مکه در مقابل آن اجسام بی جان قربانیها کرده و استمداد می طلبیدند، هر انسان فهمیده و عاقلی را به تعجب و تأسف و می داشت. زنان نه تنها از حقوق اساسی خود محروم بودند، بلکه همانند کالای بی جان خرید و فروش می شدند و ...

خداوند متعال در آیات وحیانی خویش به برخی از ناهنجاریها و آداب غیر انسانی و جاهلانۀ آن روز اشاره کرده و می فرماید: **۶۴۸۳۱؛** قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصِيَّتُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ [۱]؛ **۶۴۸۳۰؛** «بگو: بیاوید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است [برایتان] بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید. فرزندانان را از ترس فقر نکشید. ما شما و آنها را روزی می دهیم. و به کارهای زشت نزدیک نشوید چه آشکار و چه پنهان. و انسانی را که خداوند محترم شمرده به قتل نرسانید مگر به حق [و از روی قانون الهی]. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید.»

۶۴۸۳۱؛ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ، لَأَنْكَلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصِيَّتُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ [۲]؛ **۶۴۸۳۰؛** «و به مال یتیم جز به بهترین صورت [و برای خدمت به او] نزدیک نشوید تا به حد رشد خود برسد، و حق پیمانانه و وزن را به عدل و دادگری رعایت کنید. ما هیچ کس را به بیش از توانائی و قدرتش وادار نمی کنیم. هنگامی که [در مقام داوری یا شهادت] سخنی می گوئید، عدالت را مد نظر قرار دهید حتی اگر در مورد نزدیکان شما باشد، و به پیمانهای خداوند وفادار باشید. اینها مواردی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، تا شاید پند گیرید.»

خداوند متعال در این آیات از رسمهای باطل و غیر اخلاقی دوران جاهلیت خبر داده و به موضوعات غیر انسانی رایج، از جمله شرک و بت پرستی، آزار پدر و مادر، کشتن فرزندان، ارتکاب اعمال زشت و فساد انگیز، کشتن افراد بی گناه، تجاوز به اموال یتیمان، بی عدالتی در توزیع اموال و امکانات عمومی، پایمال کردن حقوق دیگران، عهد شکنی و نادیده انگاشتن پیمانها و قوانین اجتماعی می پردازد و در عین حال راهکارها و دستورات سازنده ای در این زمینه به مسلمانان ارائه می کند.

ناگفته پیداست که برخی از علل و انگیزه های بعثت پیامبران الهی نیز در این آیات مطرح شده است که عدالت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی از جمله آنهاست. در روایتی از اوضاع نابسامان عربستان در آستانه بعثت نبوی - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - آمده است: روزی قیس بن عاصم به نزد حضرت رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - آمده و عرضه داشته: یا رسول الله! من در ایام جاهلیت هشت دختر خود را زنده به گور کرده ام، حالا چه کنم؟ پیامبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود: در مقابل هر دختر یک برده آزاد کن! [۳]

در روایت دیگری آمده است: هنگامی که قیس یکی از موارد زنده به گور کردن دخترانش را در حضور رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - شرح داد، رسول مهربان الهی در حالی که از شدت تأثر حلقه های اشک بر گونه های مبارکش می لغزید، از سنگ

دلی و قساوت آن مرد جاهل تعجب کرده و به یارانش فرمود: «إِنَّ هَذِهِ لَقَسْوَةٌ وَمَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ؛ این [عمل] سنگدلی است و هر کس رحم نداشته باشد، مشمول رحمت [الهی] نخواهد بود.»

بنابراین جهان در آستانه بعثت، غرق در انواع خرافات، افکار و اندیشه‌های جاهلانه بود و شاید در آن روزگاران در هیچ جای عالم خرافه پرستی و بی‌بند و باری و رواج مفاسد اجتماعی مثل منطقه جزیره العرب نبود. مردم آن عصر بدون آنکه خود متوجه باشند، نیاز شدیدی به امور معنوی، اخلاقی و انسانی داشتند و در آتش ناعدالتی، نابرابری و تضییع حقوق انسانی می‌سوختند. در این فرصت برخی از علل و عوامل بعثت انبیاء را - که در رأس آن بعثت رسول گرامی اسلام قرار دارد - مرور کرده و به موارد اهم آن اشاره می‌کنیم:

۱. انقلاب ارزشها

بعد از بعثت رسول گرامی اسلام، اصول و ارزشهای جاری در جامعه که علیه مصالح دنیا و آخرت مردم بود، به ارزشهای انسانی و الهی تبدیل شد. خرافه پرستی به حقیقت‌یابی، جنگ و خونریزی و ناعدالتی به قسط و عدل و مساوات بدل گردید و انسانهای در ظاهر پایین درجه، به افرادی مورد اعتماد و دارای منزلت اجتماعی والائی تبدیل شدند. تمام قوانین و ملاکهای ظاهری و مادی جای خود را به معیارهای ارزشمند و متعالی داد.

آری بعثت پیامبر - صلی الله علیه و آله - ارزشهای ضد انسانی را دگرگون کرد و تمام رسمهای ایام جاهلیت، به قوانین عادلانه اسلامی تبدیل شدند. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بیشترین تلاش خود را در تحول افکار عمومی متمرکز کرده و برای از میان بردن باورهای خرافاتی و ناپسند، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد.

آن رهبر فرزانه اسلامی حتی به کارگزاران خویش تأکید می‌نمود که در تبدیل و تغییر روشهای غلط و رسوم جاهلانه نهایت تلاش خود را به عمل آورند. هنگامی که معاذ بن جبل را به سوی یمن می‌فرستاد به او فرمود: «ای معاذ! آثار جاهلیت و رسوم باطل را بمیران و سنتهای متعالی اسلامی را در میان مردم ترویج کن.»!

آن گرامی، حتی در آخرین فرازهای پیام حج خود، به انقلاب ارزشها و حرکت به سوی زیباییها و کمالات تأکید ورزید و فرمود: «أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ تَحْتَ قَدَمِي مَوْضُوعٌ» [۴]؛ بدانید تمام باورها و رسمهای ایام جاهلیت را زیر پای خود نهاده و باطل اعلام می‌کنم.»

امیر مؤمنان علی - علیه السلام - در توضیح فلسفه بعثت پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - بر این نکته تأکید کرده و آن را به عنوان انقلاب ارزشها مطرح می‌کند و می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ - صلی الله علیه و آله - وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لِكُبُلْبُلَنَّ بَلْبَلَةً وَكَتَعْرَبُلَنَّ غَرْبَلَةً وَكَتَسَاطَنَّ سَوَاطِ الْقَدْرِ حَتَّى يَعُودَ أَسْفَلُكُمْ أَعْلَاكُمْ وَأَعْلَاكُمْ أَسْفَلُكُمْ؛ آگاه باشید تیره روزیها و فتنه‌های شما همانند عصر قبل از بعثت پیامبر - صلی الله علیه و آله - بار دیگر روی آورده است. سوگند به خدائی که پیامبر - صلی الله علیه و آله - را به حق مبعوث کرد، سخت آزمایش خواهید شد و چون دانه‌هائی که در غربال ریزند یا غذائی که دردیگ گذارند، زیر و رو خواهید شد تا اینکه پائین شما به بالا، و بالای شما به پائین بیاید.» [۵] یعنی دقیقاً همانند عصر بعثت دگرگون و منقلب خواهید شد، و بار دیگر انقلاب ارزشها رخ خواهد نمود.

امام - علیه السلام - به جایگزین شدن افراد طبقه پائین به جای بالا نشینها و تبدیل شدن ارزشهای ظاهری مادی به ارزشهای انقلابی و معنوی اشاره کرده و می‌فرماید، چون به جاهلیت قبل از بعثت پسرفت داشته‌اید، دقیقاً باید همان حادثه رخ نماید و حق به محور خود برگردد.

۲. تزکیه و پرورش روح

از مهم‌ترین علل بعثت انبیاء، تهذیب نفوس و تربیت انسانهای مستعد است. پیامبران الهی کوشش می‌کنند نیروهای درونی انسانها را از قوه به فعلیت رسانده و برای رسیدن به قلّه سعادت و کمال، آنان را همراهی و یاری نمایند. آنان برای ارتباط افراد با مبدأ هستی زمینه سازی کرده و مقدمات تعالی آنان را فراهم می‌آورند.

قرآن کریم در سوره آل عمران با اشاره به این نکته می‌فرماید؛ ۶۴۸۳۱: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ ۶۴۸۳۰؛ [۶] «خداوند متعال بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها پیامبری از جنس خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد، گرچه قبل از بعثت در گمراهی آشکاری بودند.»

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نیز با تلاوت آیات کلام وحی، روح و جسم آنان را صیقل داده و با زدودن زنگارهای جهل و خرافات و خودپرستی، برای پذیرش حق و گام نهادن در راه کمال یاری‌شان می‌نمود.

۳. رساندن به مقام عبودیت

طبق آموزه‌های قرآنی، هدف از آفرینش انسان چیزی جز پرستش خدای یگانه نیست و تمام نعمتهای الهی و اشیائی که در این عالم آفریده شده و در اختیار انسان قرار گرفته، همه برای طی مسیر عبودیت است. عبودیت کامل آن است که انسان جز به آفریدگار مطلق جهان و کمال مطلق نیندیشد و همه افکار و اعمال خود را به این امر معطوف دارد.

خداوند در قرآن می‌فرماید؛ ۶۴۸۳۱: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» [۷]؛ ۶۴۸۳۰؛ «جن و انس را نیافریدم جز اینکه مرا عبادت کنند.»

یکی دیگر از علل بعثت انبیاء، دستگیری افراد بشر در راه رسیدن به مقام عبودیت است. رهبران الهی با تلاشها و آموزه‌های خود انسانها را به کانال عبودیت هدایت کرده و از این رهگذر آنان را به قرب الهی می‌رسانند. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - از آغازین لحظات بعثت شعار معروف خود را در این زمینه پیوسته تکرار می‌کرد که: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا» [۸] و به مخاطبان خود این پیام را می‌رساند که رستگاری تنها و تنها در گرو بندگی خدای یگانه و نفی خدایان دیگر و بت پرستان است.

۴. تحکیم وحدت انسانها

ریسمان محکم نبوت تنها وسیله‌ای است که انسانها را در زیر لوای وحدت و برادری فراهم می‌آورد؛ انسانهایی که از تفرقه و تشتت و نزاع و اختلافها به تنگ آمده و به دنبال راهکاری مورد اعتماد برای حل معضلات زندگی خود می‌گردند.

آتش خامن سوز اختلاف، نیروهای عظیم بشری و سرمایه‌های فراوان آنان را به باد داده و زیباترین محیطهای زندگی را به جهنمی سوزان بدل می‌کند. اگر انسانها به سخنان پیام‌آوران وحی توجه کرده و زیر عَلم توحید گرد آیند، مطمئناً از تفرقه و تشتت در امان بوده و در سایه کلمه توحید به توحید کلمه نیز دست خواهند یافت. در سوره بقره آمده است :

۶۴۸۳۱؛#& كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأُنزِلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفوا فيه [۹]؛#& ۶۴۸۳۰؛ «مردم [در آغاز امت واحدی بودند [سپس بنابر عللی در میان آنان اختلاف پدید آمد]، پس خداوند نیز پیامبرانی را برانگیخت تا مردم را بشارت دهند و انذار کنند و به همراه آنان کتاب [آسمانی] فرستاد تا در میان مردم در مورد آنچه در آن اختلاف کرده بودند داوری کند» .

طبق این آیه یکی از اهداف مهم بعثت انبیاء، پایان بخشیدن به اختلافات مردم است که از روی جهل و غفلت و ناآگاهی و پیروی هوای نفس و برتری جویی صورت می‌گیرد.

۵. واسطه فیض الهی.

برای آدمیان خاکی که هنوز گام در مرحله‌ای بالاتر نگذاشته‌اند، ارتباط با آفریدگار هستی که در منتها درجه اقتدار و کمال است امری سهل و آسان نیست. برای رسیدن به آن مقام بی‌نهایت و اوج گرفتن در آسمان عرفان و معنویت، نیاز به واسطه فیض و وسائل نیرومندتری است. قرآن کریم نیز به این نکته اشاره کرده و فرمود: ۶۴۸۳۱؛#& :وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ [۱۰]؛#& ۶۴۸۳۰؛ «برای تقرب به درگاه الهی وسیله‌ای بجوید».

انجام دستورات رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - می‌تواند بهترین وسیله برای ارتباط با خداوند متعال باشد.

امام رضا - علیه السلام - در گفتاری حکیمانه می‌فرماید: «از آنجایی که در آفرینش مردمان و نیروهای نهفته در درون آنان، آنچه که مصالحشان را کامل کند وجود نداشت، و آفریدگار جهان، برتر از آن بود که [به چشم ظاهر] دیده شود و ضعف و ناتوانی آنان در ادراک ظاهری او بود، چاره‌ای جز این نبود که فرستاده‌ای معصوم میان او و آدمیان واسطه فیض باشد و امر و نهی الهی را به ایشان برساند [۱۱]؛ «لَمَّا لَمْ يَكُنْ فِي خَلْقِهِمْ وَقُوَاهُمْ مَا يُكْمِلُوا لِمَصَالِحِهِمْ وَكَانَ الصَّانِعُ مُتَعَالِيًا عَنْ أَنْ يَرَى وَكَانَ ضَعْفُهُمْ وَعَجْزُهُمْ عَنْ إِدْرَاكِ ظَاهِرِهِ لَمْ يَكُنْ بُدٌّ مِنْ رَسُولٍ يَبِينُهُ وَبَيْنَهُمْ مَعْصُومٌ يُؤَدِّي إِلَيْهِمْ أَمْرَهُ وَنَهْيَهُ.»

۶. احیای پیمان فراموش شده

پیامبران الهی بر خود لازم می‌دانند تا انسانها را به پیمان فطری که فراموش‌شان شده است یادآور شوند، همان میثاق دیرین که در میان تمام موجودات فقط انسان آن را تقبل و تعهد کرده است، اما بر اثر مرور زمان و وسوسه‌های شیطان آن را به بوته فراموشی سپرده است.

امیر مؤمنان علی - علیه السلام - می‌فرماید: «واصْطَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَخَذَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ وَعَلَى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ أَمَانَتَهُمْ لَمَّا بَدَّلَ أَكْثَرُ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ فَجَهَلُوا حَقَّهُ وَاتَّخَذُوا الْأَنْدَادَ مَعَهُ وَاجْتَالَهُمُ الشَّيَاطِينُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَاقْتَطَعَتْهُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ [۱۲]؛ [خداوند سبحان] از میان فرزندان آدم، پیامبرانی را برگزید و از آنان بر وحی پیمان گرفت و بر تبلیغ رسالت امانت آنان را، آنگاه که اکثر مردم عهد و پیمان الهی را تبدیل کرده و حق خدا را نشناختند و در مقابل خداوند خدایان دروغین و بت‌های بی‌ارزش را پرستیدند و

شیاطین آنان را از معرفت خدا باز داشته و از عبادت او جدا کردند. [در آن حال] خداوند پی در پی پیامبرانی را مبعوث نمود تا آنان را بر پیمان فطرت خویش وادار کنند و نعمتهای فراموش شده او را به یادشان آرند».

پیامبران الهی در کنار معارف و برنامه‌های حیاتبخش خود پیوسته به آدمیان می‌آموزند که در مورد اصول دین و باورهای مهم اعتقادی به فطرت و خرد خود رجوع کنند. قرآن کریم انبیاء الهی را به عنوان «مذکر» معرفی می‌کند.

انان تلاش می‌کنند انسانها را به پیمان الهی و وفای به آن سوق دهند تا به ندای عقل و فطرت خویش پاسخ مثبت داده باشند. قرآن کریم نیز در مورد پیمان فراموش شده الهی به فرزندان آدم می‌فرماید؛ ۶۴۸۳۱: «أَلَمْ أَعْهَدْ لَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ ۶۴۸۳۰: «ای فرزندان آدم! مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را نپرستید، همانا که او دشمن آشکار شماست».

۷. ترویج فضائل اخلاقی

ترویج فضائل اخلاقی و صفات متعالی انسانی، از دیگر علل وانگیزه‌های بعثت انبیاء الهی است. اگر مروری اجمالی به آموزه‌های وحیانی پیامبر - صلی الله علیه و آله - داشته باشیم متوجه خواهیم شد که گفتارها و رفتارهای آن گرامی مملو از سفارشیهای اخلاقی و تربیتی است.

اساساً هر گونه خوبی، زیبایی و کمالی که زینده و شایسته انسانها است، در تعالیم انبیاء الهی به روشنی دیده می‌شود. در حدیث معروفی از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - می‌خوانیم که آن حضرت فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ [۱۳]؛ من برای تکمیل و توسعه زیباییهای اخلاقی مبعوث شده‌ام.» رسول خدا خود دارای کامل‌ترین صفات اخلاقی بود و عادات پسندیده و آداب برجسته انسانی در وجود آن گرامی موج می‌زد.

۸. ایجاد و توسعه عدالت اجتماعی

انسانها فطرتاً طالب عدالتند و سالم‌ترین جوامع، آنهایی است که عدالت در تمام ابعاد خود در میان آن جوامع حاکم گردد. قرآن کریم در آیات متعددی از عدالت خواهی پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - سخن گفته و آن را یکی از اهداف بعثت می‌شمارد. در سوره اعراف از اهتمام ویژه آن گرامی به اجرای عدالت خبر داده و می‌فرماید؛ ۶۴۸۳۱: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ؛ ۶۴۸۳۰: [۱۴] بگو: پروردگارم مرا به عدالت فرمان داده است.»

عدالت طلبی در تمام زوایای زندگی پیامبر - صلی الله علیه و آله -

آله - جلوه‌گر بود و گستره آن، گفتار، رفتار، روابط عمومی، معاملات، حتی محیط خانواده و دوستان و نزدیکانش را نیز شامل می‌شد. امام صادق - علیه السلام - فرموده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُقْسِمُ لِحَظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ فَيَنْظُرُ إِلَى ذَا وَيَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسُّوْيَةِ [۱۵]؛ رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نگاه خود را در میان یارانش به طور مساوی تقسیم می‌کرد، گاهی به این و گاهی به آن دیگری به طور مساوی نگاه می‌کرد.»

آن گرامی به مهم‌ترین فلسفه بعثت انبیاء که ایجاد قسط و عدل است به طور کامل معنی و مفهوم می‌بخشید که خداوند فرمود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ [۱۶] «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم، تا مردم به عدالت قیام کنند».

[۱] انعام / ۱۵۱.

[۲] انعام / ۱۵۲.

[۳] تفسیر قرطبی، محمد بن احمد انصاری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵، ج ۱۹، ص ۲۳۳.

[۴] سیره ابن هشام، ابو محمد عبد الملک بن هشام حمیری، دار القلم، بیروت، ج ۴، ص ۲۵۰.

[۵] نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر ائمه، قم، ۱۳۷۹، ش، خطبه ۱۶.

[۶] آل عمران / ۱۶۴.

[۷] ذاریات / ۵۶.

[۸] بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، نشر الوفا، بیروت، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

[۹] بقره / ۲۱۳.

[۱۰] مائده / ۳۵.

[۱۱] بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۴۰.

[۱۲] نهج البلاغه، خطبه ۱.

[۱۳] مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸، قم، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

[۱۴] اعراف / ۲۹.

[۱۵] بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۰.

[۱۶] حدید / ۲۵.